

دخلوخرج

شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۸ - شماره ۱۸

پیشخوان



صاحب امتیاز:
موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرمسئول:
محمد سعید احدیان
سرمدبزر:
سیدعلی علوی

دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهیدصادقی
صندوق پستی: ۵۱۱ - ۹۱۳۳۵
تلفن: ۰۵۱ - ۳۷۶۳۴۰۰
نمابر در خانه: ۰۵۱۳۷۶۳۴۳۹۵
پذیرش آگهی و اشتراک: ۰۵۱ - ۳۷۱۰۰
پایک: ۲۰۰۰۹۹۹
چاپ مشهد: شهر چاپ خراسان
روابط عمومی: ۰۵۱ - ۳۷۰۰۹۱۱۱
نمابر تحریریه: ۰۵۱ - ۳۷۶۳۶۵۰۱

حراجی های پوشالی

سمیه محمدنیا حناپی
روزنامه نگار

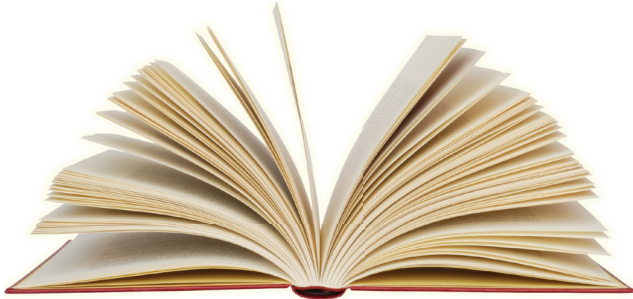
تقریباً هر مغازه ای در طول یک سال دست به حراج باقی مانده های انبارش می زند و در و دیوار و حتی شیشه مغازه اش را از عبارات های حراج با درصدهای مختلف پر می کند. البته باید گفت که حراجی ها هم مانند بسیاری از ترندهای فروش یک فصل دارند. مثلاً همین اردیبهشت و خرداد یکی از فصل های خوراک حراجی است. بدیهی است که بیشتر خانواده ها خریدهای خود را در قالب خرید شب عید انجام داده اند و نیازی به خرید پوشاک جدید ندارند اما ترفندی به نام حراجی می تواند حتی مصمم ترین افراد در نخریدن را به دام بیندازد.

حراجی هم مانند هر ترفندی فوت و فن های خودش را دارد. شاید یکی از کارآمدترین این فوت و فن ها بالا بردن عدد درصد در حراجی است. مثلاً مغازه ای تمام یا بخشی از اجناس خود را با ۶۰ درصد تخفیف ارائه می دهد. عدد ۶۰ در ذهن مخاطب چیزی کمی بیش از نصف قیمت تجلی می کند. موضوعی که به نوعی قلقلک ذهنی برای بیننده ایجاد و او را وادار می کند تا برای ار ضای کنجکاوی هم که شده نگاهی به اجناس داخل مغازه بکند و به زبان بهتر داخل دام بیفتد. دومین فوت و فن کارآمد در موضوع حراجی بیان

مراحل تبدیل نوشته هایتان به کتاب

اگر فکر می کنید نوشته های تان علاوه بر خودتان دوست داران دیگری هم دارد بهتر است با مراحل چاپ کتاب آشنا شوید. البته باید گفت که چاپ کتاب در این اوضاع نابسامان کاغذ و بازار کم جان خرید محصولات فرهنگی تا حد زیادی محتمل ریسک است. به هر حال اگر به چاپ اثر تان مصمم هستید مراحل زیر را با دقت مطالعه کنید. در اولین گام باید به دنبال موسسه انتشاراتی بگردید که عهده دار چاپ کتاب شما شود. سپس فایل دست نویس و اسکن مدارک شناسایی تان را به موسسه تحویل دهید تا نوشته شما توسط کارشناسان مطالعه شود.

گام های بعدی در موسسه برداشته می شود که شامل: ویراستاری و صفحه آرایی کتاب است که فایل تبدیل به فرمت کتاب می شود. بعد از تبدیل فرمت کتاب باید صفحه آرایی و طراحی جلد انجام شود صفحه آرایی کتاب همان صفحه گذاری و مرتب کردن اندازه کادر کتاب است و طراحی جلد کتاب نیز توسط نرم افزار فتوشاپ انجام می شود. بعد از این مراحل نوبت به مراحل اداری چاپ کتاب می رسد که عبارت از دریافت شابک فیبا و اخذ مجوز از اداره ارشاد است. گفتنی است بیشتر انتشاراتی ها انجام این مرحله را به عهده می گیرند.



گول نخوریم *

گنگ و مبهم میزان درصد حراجی هاست. مثلاً روی وبترین مغازه ای شما همزمان برگه های ۸۰ درصد تخفیف، ۵۰ درصد تخفیف و ... را مشاهده می کنید. وارد مغازه می می شوید با انبوهی از کالاها و اجناس مواجه می شوید که بدون هیچ دسته بندی در معرض دید بازدید کننده قرار گرفته است و بدیهی است در این موارد شما با پیش زمینه ۸۰ درصد تخفیف اقدام به بررسی اجناس و حتی انتخاب آن ها می کنید، اما در هنگام پرداخت وجه متوجه می شوید کالای مورد نظر تان فقط ۲۰ درصد تخفیف داشته است! حبله سوم در حراجی ها به حراج بعد از افزایش قیمت برمی گردد. به این معنی که فروشنده مثلاً یک شلوار جین را که در یک مغازه عادی حدود ۱۰۰ هزار تومان قیمت خورده است با قیمت ۱۹۰ هزار تومان قیمت و برچسب گذاری می کند سپس تخفیف ۵۰ درصدی می زند. شما نیز با یک حساب سر انگشتی ممکن است جنس گران شده تخفیف خورده را بخريد و فکر کنید چیزی حدود ۹۵ هزار تومان به اقتصاد خانواده کمک کرده اید. این در حالی است که شما فقط ۵ هزار تومان ازان تر از مغازه عادی خرید کرده اید. پس در این ایام که در خیابان ها قدم می زنید خیلی کمتر به وبترین پر از برگه های حراج و Off توجه کنید و مراقب دام های حراجی ها باشید.

شگفتانه های اقتصادی

جهد کشاورزی آب پاکی را روی دست خریداران ریخت

میری می کرد. نکته دوم حق و حقوق پایمال شده مصرف کننده است. سازمان حمایت از حقوق مصرف کننده دقیقاً در کجای این تصمیم گیری و قیمت گذاری ورود کرده است؟ سومین مسئله نگاه اقتصادی به این روایت دردناک است. آیا قیمت های نجومی برای محصولات غیرضروری مانند میوه های نوبرانه دارای کشش بازار است؟ به واقع مگر قیمت تمام شده هر کیلو میوه چقدر می تواند باشد که مشتری باید مبلغی در حدود ۳۰ هزار تومان را برای به خانه بردن یک کیلو میوه بدهد؟ نتیجه این قیمت گذاری ها دو پیامد بیشتر نخواهد بود. گندیده شدن میوه ها و شرمساری بیشتر سرپرستان در برابر خواسته های خوشمزه کودکان شان. به نظر می رسد مسئولان محترم ارزش گذار باید جوابگوی مردم برای چگونگی ملال ارزش گذاری و قیمت گذاری باشند. چنانچه به نظر می رسد بارش های رگباری و سرد شدن هوادر اوایل فصل شکوفه های درختان تا حد قابل توجهی از حجم محصول را کاسته است. آیا حال که عرضه به دلیل کمبود کاهش یافته است باید قیمت ها را بالا ببریم تا فقط داراها حظ آلبالو و گیلاس را ببرند؟ و از طرفی خسارت های باغداران به واسطه این افزایش بها تامین شود؟ متأسفانه گویی حقوق مصرف کننده مهره گم شده این معامله برد- برد است.



کما بیش با قیمت های نجومی میوه های نوبرانه مواجه شده اید. شاید بسیاری از افراد در مواجهه با این قیمت ها، آن ها را به نوعی فروش غیر قانونی و افزایش قیمت ناشی از دلال بازی بدانند. اما جالب است بدانید که این بار جهد کشاورزی استان تهران در جلسه ای مشترک با اتحادیه های مرتبط با توزیع میوه و بازرسی میدان مرکزی میوه و تره بار شهر تهران، قیمت های نجومی را برای فروش برخی از میوه ها تعیین کرد. بر این اساس نرخ مصوب فروش هر کیلوگرم هلو به صورت عمده در میدان مرکزی میوه و تره بار شهرداری ۲۰ هزار تومان، زردآلو ۲۵ هزار تومان، سیب ۱۱ هزار تومان، کیوی ۱۰ هزار تومان، خیار ۵ هزار و ۵۰۰ تومان، توت فرنگی ۲۲ هزار تومان، موز ۱۳ هزار تومان، گلابی ۱۲ هزار تومان و گوجه سبز برقان ۱۸ هزار تومان قیمت گذاری شد. اما کورس قیمت ها در مواردی نیز ناباورانه تر بود هر چند در خیرها چیزی از تاباید ناکردن اتحادیه مذکور برای آن ها به زبان نیامد. براساس مشاهدات میدانی برای هر یک کیلو گیلاس چیزی حدود ۷۴ هزار تومان و گلابی ۵۹ هزار تومان قیمت گذاری شده است. چگونگی این قیمت گذاری و داشتن مرجع قابل قبول ارزش گذار، در اولین گام نشان دهنده نبود دست های واسطه گر در تعیین قیمت ناهایی محصول است. موضوعی که در مواردی چون پیاز و گوجه روی آن مانور زیادی داده می شد و تا حد زیادی دولت را در این موضوع

کاربر علی بازی

سلام. دقت کردید که میوه فروشی ها دیگر مغازه نیستند؟ بلکه موزه هایی هستند که برخی از میوه ها را به نمایش می گذارند. با قیمت های نجومی میوه های بهاری و تابستانی بیشتر خانواده هایی که بچه کوچک دارند از این که وارد این مغازه ها شوند هراس دارند. از ترس این که بچه ها چشمشان به این نوبرانه ها بیفتد و آن ها نتوانند برایشان تامین کنند. ترجیح می دهند که اصلاً به مغازه ها نروند. آخر گیلاس کیلویی ۷۰ هزار تومان توجیه اقتصادی دارد؟ خواهش می کنم کمی به فکر قشر پایین جامعه باشید آن ها زیر بار این فشار اقتصادی در حال خرد شدن هستند.

کاربر وحیبه جهانی

با سلام من یک پرستار هستم، و البته به دلیل شرایط کاری توسط بیمه های پرستاری از زیر شاخه های مسئولیت مدنی تحت حمایت هستم. متأسفانه از سال اخیر تعداد شکایات ها از پرستاران و دیگر دست اندر کاران در بخش های بیمارستانی بسیار زیاد شده است. حتی پرونده هایی در دادگاه باز می شوند که تاریخش به چندین سال قبل برمی گردد. گاهی اتفاق می افتد که پرستاری در پرونده ای محکوم به قصور در خدمت رسانی شده است و برای وی دیه در نظر گرفته اند. در این شرایط چشم امید پرستار به شرکت بیمه گذاری است که سال ها به صورت ماهانه حق بیمه پرداخته می کرده است. اما براساس قوانین این شرکت ها هر گاه پرونده ای از سال های قبل به دادگاه ارجاع داده شود شرکت بیمه ای مبلغ دیه و جبران خسارت مربوط به آن سال را محاسبه و پرداخت می کند و این در حالی است که دادگاه ها دیه یا از کار افتادگی را براساس تاریخ روز محاسبه می کنند. مابه التفاوت پرداختی بیمه و مبلغ تعیین شده از سوی دادگاه باید توسط پرستار تامین شود که همین موضوع با توجه به درآمد ناچیز ما بسیار سخت است و در بیشتر مواقع کار به گل ریزان می کشد. آیا نباید شرکت های بیمه ای پوشش بیمه ای مناسب تری را برای پرستاران در نظر بیآورند؟

کاربر محمد جواد...

با سلام من دو سالی می شود که به عنوان کارآموز دست مزد بگیر در یک مغازه جوشکاری و فلزکاری کار می کنم. در هفته پیش به دلیل بی احتیاطی خودم در حین جوشکاری از عینک مخصوص استفاده نکردم و چشماتم به شدت آسیب دیده است. می خواستم بروم و از شرکت بیمه ام حق از کار افتادگی یا حداقل طول درمان بگیرم. اما صاحبکارم می گوید چون این خودت بودی که از عینک استفاده نکردی پس به تو بیمه ای تعلق نمی گیرد. آیا حرف من به جایی می رسد؟

کاربر مهدیه مشرقی

با سلام من دارای دفترچه خدمات درمانی هستم و چون درآمد ماهانه مان اجازه نمی داد نتوانستیم که بیمه تکمیلی بگیریم. دندان های شیرینی دختر کوچک مان نیاز به درمان دارند. هر جا که می روم برای چهار دندان خراب مبلغی حدود دو و نیم میلیون تومان از ما می خواهند. در این شرایط اقتصادی این مبلغ برای ما خیلی زیاد است اما از طرفی هم نمی شود گذاشت که بچه درد بکشد و یا این که تمام دندان های خرابش را تخلیه کنیم. خواهش می کنم حداقل درباره بیمه دندان پزشکی کودکان تفرقه های بهتری قرار دهید. کودکان معصوم هستند و نمی توان به آن ها گفت که به دلیل بی پولی مجبور هستند مسکن بخورند و دندان خراب را تحمل کنند.

کاربر زهرا ملایی فر

این شکر چهار هزار تومانی که می گوید در بازار تزریق شده است کجاست؟ یا بهتر بگویم در کجای بازار ریخته شده است که ما برویم و جمع کنیم اش؟ من همین دیروز رفته شکر خریدم کیلویی هشت هزار تومان. اگر قرار است باز هم اجناس تنظیم بازاری به کیسه نور چشمی ها برود خواهش می کنم دوباره همان کوین ها را راه بیندازند.

افزایش ۹ درصدی قیمت گاز CNG

گاز طبیعی فشرده یا «سیان جی» سوختی است که به عنوان جایگزینی برای بنزین، گازوئیل و گاز مایع به کار می رود و نسبت به همه آن ها دارای مزایای آلودگی کمتر، ایمنی بیشتر و قیمت مناسب تر است یا بهتر بگویم دارای قیمت مناسب تر بود تا اینکه بعد از دو سال ثبات قیمت با افزایش ۹ درصدی رو به رو شد. خبری که این هفته عهده دار وارد آوردن شوک به مردم شد گرانی ۹ درصدی سوخت CNG بود، البته رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی CNG کشور اعلام کرد افزایش ۳۲ درصدی در واقع کارمزد جایگاه داران CNG است که ۱۴ درصد آن برای سال ۹۷ و ۱۸ درصد باقی مانده برای سال ۹۸ است که به مناطق شرکت گاز ابلاغ و اجرایی شده است. گفتنی است ایران با داشتن چیزی حدود ۲/۵ میلیون خودروی سیان جی سوز بزرگترین ناوگان خودروهای گازسوز را در اختیار دارد. بنابراین باید بشنیم و منتظر تبعات این افزایش قیمت باشیم. البته اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم این افزایش قیمت به تنهایی و بدون در نظر داشتن آسانسور سواری قیمت ها خیلی هم بیراه نیست. اما متأسفانه سیاست جدید هیئت مدیره صنفی CNG در زمان بندی عملیاتی شده است. تورم بالای قیمت ها، عقب ماندن زیاد درآمد ها در رقابت با خرج کرد و همچنین افزایش قیمت هزینه سفرهای درون شهری و حتی برون شهری از جمله مقضیاتی است که ممکن است افزایش ۹ درصدی بعد دو سال را شوک آور به نظر بیآورد. امیدواریم با این توجیه که گرانی فعلی مربوط به جایگاه داران است با سناریوی جدیدی تحت عنوان افزایش قیمت خود سوخت CNG به این زودی ها شاهد افزایش مجدد قیمت CNG نباشیم.

خرما، مهربان لوکس سفره افطار، دانه ای ۱۰۰ هزار تومان!

شاید اکثر ما وقتی قیمت یک چیز بیش از حد گران به نظر می آید ناخودآگاه اولین جمله ای که از ذهن یا زبان مان می گذرد این است « مگه طلاست؟». اما آن چه امروز شاهد آن هستیم عینیت یافتن این سوال کوتاه دو جمله ای است. بیشتر شاهد ظهور پیتزا و بستنی با روکش طلا بودیم که در زمان خود حاشیه هایی هم داشتند. اما طلای نوظهور این بار خرما است! این ساده ترین افطاری روزه داران ماه خدا از قدیم الایام تاکنون. در ماه رمضان، که فرصتی ناب برای تقویت ایمان و دوری از رفتارهای ناپسند است، تجمل گرایی و اشرافی گری مهمان سفره ها شده و متأسفانه در گستره شبکه های اجتماعی و دنیای معازای فرصت تبلیغ و رواج خوبی پیدا کرده است. تبلیغ و فروش خرما با روکش طلا یکی از این موارد است که هیچ دلیل منطقی برای آن غیر از اشرافی گری و به قولی لاکچری نمایی وجود ندارد. این خرما به صورت بسته های ۴ تا ۸ عددی با مغز پسته و روکش طلای خوراکی ۲۳ عیار فرانسوی با قیمت های حدود ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان متأسفانه در داخل کشور خودمان بسته بندی و روانه بازار می شوند. تقلید های کورکورانه از فرهنگ غرب در موارد و جایگاه هایی که سنتی یا فرهنگ اصیل ایرانی اسلامی ندارند کم بود که تقلید از زندگی شیوخ عرب هم به آن اضافه شد. سوالی که این جا توی مغز انسان می کوبد این است که آیا واقعا کسانی که خرما با روکش طلا تهیه و مصرف می کنند روزه دارند یا نه؟ اگر روزه دار نیستند که چه نیازی است سفره افطار طلایی بچینند؟ و اگر روزه دار هستند واقعا هیچ تضادی بین فلسفه روزه و گستردن سفره های شاهانه احساس نمی کنند؟

در برحه ای از زمان که مردم تحت فشار های شدید اقتصادی هستند و گاه حتی خرید معمولی برای برخی دغدغه محسوب می شود مواردی این چنینی فاصله طبقاتی مردم را بیش از پیش آشکار می کند. موضوعی که نمی توان آن را انکار کرد چرا که اگر تقاضایی وجود نداشت عرضه هم لگ می ماند و این جاست که به فکر فرو می رویم که این مردم به کجا می روند؟

